

تدقیق مفهومی و تشریح راهکارها و شاخص‌های تحقق‌سنجی چهار اصل مسجدمحوری، محله‌محوری، درون‌گرایی و طبیعت گرایی در شهر ایرانی اسلامی*



ابوالفضل مشکینی*

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

مهدی حمزه‌نژاد**

استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

کیمیا قاسمی***

دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۰۴/۰۲

چکیده:

یکی از فضاهای جغرافیایی که از دیرباز انعکاس‌دهنده‌ی ایدئولوژی نظام‌های حاکم بوده، پدیده شهر است. بر این اساس، شهر ایرانی اسلامی می‌بایست بازتاب اندیشه‌های متعالی دین مبین اسلام در تمامی جوانب باشد. به منظور متجلی ساختن ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر، شناسایی ارزش‌هایی که می‌توانند و باید با تظاهر در مجتمعی اسلامی هویت ایرانی اسلامی آن را نمایش داده و تضمین نمایند؛ ضرورت تام دارد. هدف این پژوهش، شناسایی ارزش‌ها، اصول و شاخص‌های شهرسازی ایرانی اسلامی و تدقیق مفهومی و تشریح راهکارهای تحقق بخش آنها است؛ از این رو برای انجام این پژوهش علاوه بر مطالعه اسنادی از تکنیک دلفی در دو مرحله جهت پالایش مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارها بهره گرفته شده است. چهار اصل مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری و طبیعت‌گرایی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی در مطالعات اولیه در میان صاحب نظران دارای اولویت دیده شد و با تدقیق ریشه‌های نظری آنها، اصل مسجدمحوری در ۲ بعد، ۷ معیار و ۱۵ گویه، اصل طبیعت‌گرایی در ۲ بعد، ۸ معیار و ۱۲ گویه، اصل درون‌گرایی در ۲ معیار و ۸ گویه و اصل محله‌محوری در ۳ بعد، ۷ معیار و ۲۰ گویه ارائه گردید. این مطالعه در چارچوب کاری خود شهر ایرانی-اسلامی را در قالب شاخص‌های مشترک در شهرهای اسلامی مورد مطالعه قرار داده است. شاخص‌های اساسی در همه‌ی شهرهایی که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند؛ می‌تواند مبنا قرار گیرد. از این‌رو، در چارچوب این مطالعه به تفکیک شهر ایرانی و اسلامی و تعاریف و مفاهیم آن پرداخته نشده است.

واژه های کلیدی: مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری، طبیعت‌گرایی، شهرسازی ایرانی اسلامی.

- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد کیمیا قاسمی تحت عنوان «ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای شاخصه‌های شهرسازی ایرانی اسلامی» تحت راهنمایی دکتر ابوالفضل مشکینی در دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

**مقدمه**

را طبق الگوی ایرانی و اسلامی طراحی نمود.

روش تحقیق

این پژوهش در تلاش است تا به معرفی برخی از مهم ترین و اساسی ترین شاخص های شهرسازی ایرانی اسلامی بپردازد؛ بدین منظور، در ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه ای، دیدگاه های افراد مختلفی از جمله اسلام شناسان، جغرافی دانان، شهرسازان و معماران در سطح جهان و ایران مورد مطالعه قرار گرفت؛ سپس با استفاده از تکنیک دلفی در دو مرحله جهت پالایش مؤلفه ها، معیارها و زیرمعیارهای هر یک از شاخص های شهرسازی ایرانی اسلامی توسط ده نفر از کارشناسان متخصص در این حوزه بهره گرفته شده است. شاخص مسجدمحوری در ۲ بعد، ۷ معیار و ۱۵ گویه، شاخص طبیعت گرایی در ۲ بعد، ۸ معیار و ۱۲ گویه، شاخص درون گرایی در ۲ معیار و ۸ گویه و شاخص محله محوری در ۳ بعد، ۷ معیار و ۲۰ گویه ارائه گردید. اعضای پانل دلفی با نمونه گیری غیراحتمالی و با روش نمونه گیری هدفمند برگزیده شدند؛ سپس به تقسیم بندی و تدقیق شاخص های شهرسازی ایرانی اسلامی در چهار اصل مسجدمحوری، دورن گرایی، محله محوری و طبیعت گرایی پرداخته شد.

مروری بر مفاهیم و ارزش های انسان شناختی**پایه اسلامی به عنوان محتوای شهر اسلامی**

اندیشمندان مهمترین شالوده های جهان بینی اسلامی را سه اصل توحید، نبوت و معاد می دانند. اگر چه تصریحی بر اینکه تنها این امور از اصول دین باشد؛ در آیات و روایات مشاهده نمی شود؛ اما با بررسی آیات قرآن به روشنی دیده می شود که مهم ترین موضوعات در بیشتر سوره ها (خصوصاً سوره های مکی) همین سه اصل است. تناظر کاملی هم میان این سه اصل با سه امر آغاز، انجام و چگونگی پیمودن از آغاز تا انجام وجود دارد و همیشه تاریخ، این سه مسئله در شمار پرسش های بنیادی آدمی بوده اند. به تعبیر آیت الله جوادی آملی و علامه شهید مطهری محوری ترین و مهمترین محورهای اعتقادی بشر در همین سه اصل توحید، نبوت و معاد خلاصه می شود و دو اصل دیگر عدل و امامت را می توان در دل آنها تعریف نمود (جوادی آملی ۱۳۸۰، ۱۵۱؛ مطهری ۱۳۷۰). روشن است که از میان این

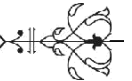
محیط زندگی انسان تأثیر بسزایی در رفتار و هویت انسان به سمت ارزش های مستتر در خویش دارد (امین زاده ۱۳۸۱، ۳۱). در این میان شهر را می توان محیطی برای تجلی هویت، ارزش های منبعث از اعتقادات، جهان بینی و فرهنگ ساکنین و پدید آورندگان خود دانست (سیفیان ۱۳۷۸، ۵۸).

در ساخت مرفولوژیک سکونتگاه های شهری و روستایی کشورهای مختلف، عامل دین، فرهنگ و ایدئولوژی نظام های حاکم نقش مهمی را به عهده می گیرند. بر این مبنای، در کشورهایی که ادیان و ایدئولوژی های متفاوت دارند؛ می توان ساخت های مرفولوژیکی مختلفی را مشاهده کرد؛ چنانکه فضاهای جغرافیایی کشورهای غربی، سوسیالیستی و اسلامی با همدیگر متفاوت می نمایند.

در کشورهای اسلامی، ساخت فضاهای جغرافیایی بایستی تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی به صورت قوانین متخذ از قرآن، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع صورت گیرد. شهری که ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد و الگوی کاملی از توسعه را برای جهانیان عرضه بدارد (رحیمی ۱۳۸۴، ۹۱). کشور ایران به عنوان یکی از تمدن های کهن بشری، نقش بسیار فعالی در بلوغ شهرسازی اسلامی داشته است؛ به گونه ای که در این سرزمین، شهرهای زیادی با چهره ای اسلامی رشد یافته اند. از مهم ترین این شهرها می توان به مشهد (اشرف ۱۳۵۳)، ری (کریمیان ۱۳۵۴، ۱۳۵۶ و ۱۳۶۶)، قم (مرصوص ۱۳۸۲)، کرمان (منصوری ۱۳۸۶)، یزد (شماعی ۱۳۸۹) و اصفهان (قلعه باباخانی و همکاران ۱۳۹۰) اشاره نمود.

در شهرسازی ایرانی و اسلامی اصول زیادی مطرح هستند که در این پژوهش اساسی ترین آن ها با مرور و بررسی کتب و دیدگاه صاحب نظران و نظریه پردازان در قالب چهار اصل، مسجدمحوری (ارتباط انسان با خدا)، درون گرایی (ارتباط انسان با خود)، محله محوری (ارتباط انسان با جامعه) و طبیعت گرایی (ارتباط انسان با جهان هستی) مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم و برای هر کدام از اصول نیز ابعاد و معیارهایی مدنظر قرار دادیم تا بر اساس آن ها بتوان شهرها





سه اصل، اصل توحید، زیربنا بوده و مهم‌تر از بقیه می‌باشد. در حقیقت مخاطب این سه اصل انسان است و عامل آن خداوند. انسان حرکت خود را از خداوند شروع کرده و با کمک انبیاء سیر می‌کند تا سرانجام باز به سوی او بازگردد. هر سه اصل فوق جنبه‌های مختلف ارتباط خدا با انسان را تشریح می‌کنند. در حقیقت بیان این ارتباط مهم‌ترین رکن همه‌ی هویت‌های دینی است. اما در دل این اصل، ارتباط انسان با عرصه‌های دیگر هستی نیز گنجانده شده است؛ ارتباطاتی که همیشه بشر در درون آن‌ها قرار داشته و با آن‌ها زندگی کرده است.

اقبال لاهوری سه موضوع اصلی که همیشه مورد تأکید قرآن برای تفکر بوده را انسان، طبیعت و تاریخ معرفی کرده است. او می‌گوید که قرآن ما را به مطالعه‌ی عمیق این سه عرصه دعوت کرده تا با تفکر در آن‌ها ارتباط آن‌ها را با مبدأ هستی درک کنیم (اقبال لاهوری ۱۳۴۹، ۱۴۸). مطهری نیز گفته‌ی اقبال را بازگو و تأکید می‌کند. او در جایی دیگر نیز موضوعات اصلی و همیشگی برای شناختن خدا، انسان، جهان، زمان و جامعه معرفی کرده است. طبیعی است که جهان و زمان از دید انسانی آن به طبیعت و تاریخ تبدیل می‌شود و جامعه نیز شکل دیگری از ظهور استعدادها و گرایش‌های انسان است (مطهری ۱۳۷۸، ۲۳۳-۷۰).

در گفته‌های علامه جعفری نیز همین تأکیدات را می‌توان یافت. او با محور قرار دادن انسان، مهم‌ترین ارتباطات او را با عرصه‌های دیگر هستی در چهار مورد زیر بر می‌شمرد:

– ارتباط انسان با خدا
– ارتباط انسان با خود
– ارتباط انسان با جهان هستی
– ارتباط انسان با هموعان خود (علامه جعفری ۱۳۷۸، ۱۲).

همین ارتباطات چهارگانه انسان از سوی آیت‌ال‌جوادی‌آملی نیز تأکید شده است (جوادی‌آملی ۱۳۸۰، ۷). به نظر می‌رسد مسئله‌ی تاریخ در دسته‌بندی این دو اندیشمند در درون دو مورد آخر قرار گرفته است. تاریخ، ساخته مشترک جهان هستی و هموعان انسان است. نقره‌کار که بر اساس نظر متفکران اسلامی تلاش دارد

شهرسازی و محتوای معماری و شهرسازی اسلامی را شکل دهد؛ این مفاهیم را در پنج مورد خلاصه نموده است که قابل توجه است: خدا، انسان، طبیعت، تاریخ، جامعه (نقره‌کار ۱۳۸۷). تعبیرات پنج‌گانه او مجموعه‌ی جمع‌کننده همه ارزش‌هایی است که از طرف همه بزرگان و اسلام‌شناسان مثل آیت‌الله جوادی‌آملی، علامه جعفری، علامه مطهری و علامه اقبال لاهوری مطرح شده است. بررسی مهم‌ترین اصول مطرح شده توسط نظریه‌پردازان از شهر اسلامی و تناظر آن‌ها با مفاهیم پایه اسلامی اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در حوزه‌ی جغرافیایی، شهرسازی و معماری مطالعاتی در زمینه‌ی شناسایی اصول شهر اسلامی انجام داده‌اند که برای تنظیم اصول برخی از آنها، از آیات و روایات و برخی دیگر از هویت تاریخی معماری و شهرسازی مسلمین، استفاده نموده‌اند. از جمله‌ی این اندیشمندان می‌توان به هشام مرتضی اشاره نمود ایشان با تکیه بر قرآن و سنت، برخی از اصول مهم شهر اسلامی را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ تصویری که از اسلام در مطالعه وی ظهور می‌کند؛ اسلام را شیوه‌ای برای زندگی به همراه آرمان‌ها و ایده‌آل‌های اجتماعی می‌داند (مرتضی ۱۳۸۷). نجم‌الدین بemat دیگر اندیشمندی است که شهر اسلامی را از لحاظ تفکر ایمانی و توحیدی آن بررسی و توصیف می‌نماید و به ذکر برخی از اصول مهم شهر اسلامی می‌پردازد (بemat ۱۳۶۹). بسیم سلیم حکیم نویسنده‌ی کتاب شهرهای عربی اسلامی تلاش نموده است برخی از اصول معماری و شهرسازی از نقطه نظر اسلام را استخراج نماید (حکیم ۱۳۸۱). هشام جعیط نیز در کتاب کوفه پیدایش شهر اسلامی در شناساندن الگو و ریشه و روشن ساختن طرح اولیه شهر اسلامی تلاش نموده است (جعیط ۱۳۶۵). آموس راپاپورت (۱۳۶۶)، لئو ناردو بنه ولو (۱۳۶۹)، آیرا ام لاپیدوس (۱۳۶۷)، اکارت اهلرز (۱۳۷۳)، دتمان (۱۳۴۸)، ویرث (۱۳۷۹)، اهلرس (۱۳۷۰) و... از دیگر اندیشمندان هستند که هر یک در مطالعات خود تلاش نموده‌اند فضای شهر اسلامی را با استفاده از اصول معماری و شهرسازی اسلامی توصیف نمایند و یا به تهیه الگوی شهر اسلامی مبادرت ورزند؛ همچون دتمان، ویرث، اهلرس جغرافی -



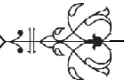
ارتباطات و کالبد که این انسان فرد مؤمن است؛ ارتباطات، اسلامی است و کالبد شهر، بر اساس مبانی اسلام شکل می‌گیرد (نقی‌زاده ۱۳۷۷؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷). وی همچنین به توصیف و اهمیت برخی از اصول معماری و شهرسازی همچون نقش طبیعت در ایجاد محیط زندگی مسلمانان پرداخته است (همان ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۳). از دیگر پژوهشگران ایرانی می‌توان به نقره‌کار (۱۳۸۷)، شکوئی (۱۳۶۹)، رضوانی (۱۳۶۷) و... اشاره نمود که هر یک در مطالعات خود سعی در توصیف شهر اسلامی می‌باشند. با بررسی مطالعات، با توجه به حساسیت بیشتر اسلام‌شناسان، جغرافی‌دانان، شهرسازان و معماران بر چهار اصل مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری و طبیعت‌گرایی، می‌توان چهار اصل مطرح شده را به عنوان مهم‌ترین اصول شهرسازی ایرانی اسلامی عنوان نمود.

دانان آلمانی که اقدام به انتشار الگوی توصیفی از شهر خاورمیانه اسلامی کرده‌اند. در ایران نیز، می‌توان به تعدادی از پژوهشگران اشاره نمود که سعی در ارائه و توصیف شهر اسلامی می‌باشند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به حسین نصر اشاره نمود. وی مهم‌ترین اصول در معماری و شهرسازی دوران اسلامی را در قالب سه اصل عدالت-محوری، اصل سیر کثرت به وحدت و اصل از ظاهر به باطن می‌داند. ایشان به ذکر اصولی می‌پردازد که در فضای شهری مسلمین می‌بایست مورد توجه قرار گیرد (نصر ۱۳۷۴). محمد نقی‌زاده معتقد است مناسب‌ترین تعریف شهر اسلامی را باید از متون اصیل اسلامی و به ویژه قرآن کریم استنتاج کرد. وی شناسایی ویژگی‌ها و صفات شهر اسلامی را از ضروریات اولیه دانسته است. به اعتقاد وی در هر شهر سه رکن وجود دارد: انسان،

جدول ۱. اصول مطرح شده توسط نظریه‌پردازان از شهر اسلامی و تناظر آنها با مفاهیم پایه اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

اصول شهر اسلامی	نظریه‌پردازان مطرح‌کننده	مفهوم کلی	زیر بنای مفهومی در اسلام
مسجدمحوری	گرابار ۱۳۹۰؛ کونثو ۱۳۸۴؛ اهلرز ۱۳۷۳؛ دتمان ۱۳۴۸؛ بنه‌ولو ۱۳۶۹؛ لاپیدوس ۱۳۴۶؛ ۱۳۴۸؛ راپاپورت ۱۳۶۶؛ مارشه ۱۳۰۰؛ ۱۳۳۶؛ الصیاد ۱۳۷۰؛ مرتضی ۱۳۸۷؛ نقی‌زاده ۱۳۸۷؛ نقره‌کار ۱۳۸۷؛ فلامکی ۱۳۶۴؛ مؤمنی ۱۳۶۵؛ نصر ۱۳۷۴؛ و...	تشخص مسجد در محله و شهر	رابطه انسان با خدا و خود و جامعه
درون‌گرایی	گرابار ۱۳۹۰؛ بنه‌ولو ۱۳۶۹؛ جعیط ۱۳۶۵؛ الصیاد ۱۳۷۰؛ مرتضی ۱۳۸۷؛ نقره‌کار ۱۳۸۷؛ نقی‌زاده ۱۳۸۷؛ پاکزاد ۱۳۶۵؛ افشارنادری ۱۳۷۴؛ پیرنیا ۱۳۷۴؛ نصر ۱۳۷۵؛ مؤمنی ۱۳۶۵؛ و...	عدم تظاهر بیرونی خانه‌ها و رعایت اصل سلسله‌مراتب و محرمیت در فضای شهری	رابطه انسان با خود و طبیعت
محله‌محوری	گرابار ۱۳۹۰؛ اهلرز ۱۳۷۳؛ دتمان ۱۳۴۸؛ ریمون ۱۳۷۳؛ بنه‌ولو ۱۳۶۹؛ لاپیدوس ۱۳۴۸؛ ۱۳۴۶؛ راپاپورت ۱۳۶۶؛ مارشه ۱۳۰۰؛ ۱۳۳۶؛ جعیط ۱۳۶۵؛ مرتضی ۱۳۸۷؛ نقره‌کار ۱۳۸۷؛ نقی‌زاده ۱۳۸۷؛ پاکزاد ۱۳۶۵؛ فلامکی ۱۳۶۵؛ توسلی ۱۳۶۶؛ نصر ۱۳۷۴؛ مؤمنی ۱۳۶۵؛ و...	روابط گرم همسایگی	رابطه انسان با جامعه و طبیعت
طبیعت‌گرایی	جعیط ۱۳۶۵؛ مرتضی ۱۳۸۷؛ نقره‌کار ۱۳۸۷؛ نقی‌زاده ۱۳۸۷؛ نصر ۱۳۷۷؛ مؤمنی ۱۳۶۵؛ شکوئی ۱۳۶۹؛ رضوانی ۱۳۶۷؛ و...	وجود گرم طبیعت در زندگی مردم	رابطه انسان با طبیعت و خدا و خود





برای بنده نوشته می شود که از جمله مسجدسازی است» (جوادی آملی ۱۳۹۱).

مرتضی مسجد را یکی از ارکان اصلی شهرهای اسلامی دانسته و آن را، محل برگزاری نماز که یکی از پنج رکن دین اسلام و والاترین نوع بندگی خداوند است؛ می داند و چنین می نویسد: «قرآن کریم صریحاً از مسجد به عنوان مکانی که انسان مسلمان در آن عبادت نموده و به وسیله نماز، ایمان به یگانگی خداوند را اظهار می دارد؛ نام می برد. خداوند متعال در آیه ۱۸ سوره جن می فرماید: «و مساجد مخصوص (پرسش ذات یکتای) خداست؛ پس نباید احدی غیر از او را پرسش کنید».

نقی زاده نیز مساجد را یکی از عناصر و اجزاء شهرهای مسلمانان و ایرانیان دانسته و این گونه می نویسد: «مساجد به دلیل جامعیت، اهمیت، تعدد و جایگاه والایشان در شهرهای مسلمانان، از اصلی ترین عوامل هویت دهنده ی کالبدی همه ی مجتمع های زیستی مسلمانان اعم از شهر و روستا بوده اند؛ این هویت بخشی، نه تنها در شکل و سیما که حتی از نظر صوتی و سایر تمهیداتی چون چندعملکردی بودن و مرکزیت و مکان استقرار نیز اعمال می شد. این هویت بخشی، نه تنها در مورد شهرهای مسلمانان که در مورد اجتماع مسلمانان و حضور تعدادی مسلمان در شهری که به شهری غیر اسلامی معروف بوده و اکثریت ساکنین آن غیر مسلمان هستند نیز مصداق دارد و مشاهده ی «مسجد» به این حضور گواهی می دهد. مساجد اولین و شاخص ترین عناصر شهرهای مسلمانان بودند که نظر تازه واردین را به خود جلب می کردند (نقی زاده ۱۳۸۷، ۱۶۱).

مطابق جدول فوق می توان تناظر قابل توجهی بین چهار شاخص برتر شهر اسلامی با روابط پایه انسان شناسی اسلامی یافت. اگر چه مهم ترین مظهر زیربنای نظری ارتباط انسان با خدا در مسجد محوری، ارتباط انسان با خود در درون گرایی، ارتباط انسان با جهان هستی در طبیعت گرایی و ارتباط انسان با هموعان خود در محله محوری قابل بررسی است؛ اما مطابق جدول فوق می توان در هر اصل ترکیبی از پاسخ به ارزش های گوناگون را مشاهده کرد به این ترتیب می توان مطمئن بود آنچه از سوی اندیشمندان و متفکرانی چون علامه جعفری و جوادی آملی مطرح شده بود می تواند محتوای لازم معماری و شهرسازی اسلامی باشد و از طریق چنین اصولی، زمینه سازی خوبی برای تحقق آنها رخ خواهد داد. در ادامه به تفصیل هر کدام از اصول، ابعاد و معیارهای آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

اصل مسجد محوری (ارتباط انسان با خدا)

ایمان به یگانگی خداوند، توحید است و این ایمان باید بر دل و زبان جاری گردد. از این رو در اسلام، نماز یکی از ارکان دین و والاترین نوع بندگی خداوند محسوب گردیده است. برای ادای نماز، نیاز به مکان خاصی است که شرایط لازم را داشته باشد و زمانی که این نماز، به جماعت برگزار گردد؛ ارزش و مقام آن والاتر می گردد. از این رو، پیامبر گرام، نخستین نمای ماندگار خود را، مکان عبادت خدا معرفی می نماید و تا به امروز این عنصر ماندگار، یعنی مسجد، که مکان ارتباط با خدای متعالی است در فرهنگ اسلامی و ساخت سکونتگاه های انسانی بعنوان بنای اصلی، ماندگار مانده است. و در بسیاری از شهرهای اسلامی علاوه بر نقش مذهبی - اجتماعی، نقش نشانه ی شهری را نیز بازی می کند.

تأسیس مسجد از مصادیق روشن باقیات صالحات است. پیامبر (ص) در این باره فرمود: «آنچه از کارها و نیکی های مؤمن پس از مرگش به او می رسد؛ دانشی است که آن را منتشر کرده و فرزند صالح و نیز مصحف قرآنی است که از خود بر جای گذاشته یا مسجدی است که ساخته است». و باز فرمود: «هفت چیز است که پس از مرگ،





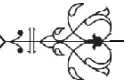
جدول ۲. ابعاد و معیارهای شاخص های تحقق اصل مسجدمحوری در شهر ایرانی اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

اصل	مفهوم	بعد	معیار	شاخص	
مسجد محوری	ارتباط انسان با خدا	کالبدی	هویت بخشی	(۱) وجود عوامل کالبدی نظیر گنبد، مناره	
				(۲) نوع تزئینات به کار رفته در نماهای بیرونی و درونی	
			تقویت دسترسی به فضاهای شهری	(۱) لزوم نزدیکی مسجد به منازل مسکونی در محلات	
				(۲) تعبیه دستیابی های متعدد برای آن	
				ایجاد نشاط و سرزندگی	(۱) عوامل کالبدی همچون صحن، حیاط
					(۲) استفاده از حوض آب، آب نما و فواره
			حفظ و ارتقای پایداری	(۱) استفاده ی چندمنظوره از فضا برای عملکردهای متنوع (برای عبادت، گردهمایی، قرائت قرآن و...)	
				(۲) نزدیکی به منازل برای صرفه جویی زمان و هزینه	
				(۳) توزیع مناسب مسجد در محلات	
				(۴) مراعات سادگی در احداث مساجد	
ارتباط انسان با جامعه و ارتباط انسان با خود	اجتماعی و فرهنگی	تقویت انسجام اجتماعی	(۱) تنوع عملکردها		
			(۲) تعدد استفاده کنندگان		
			(۳) تعاملات اجتماعی بین افراد در فضای مسجد		
	مشارکت های مردمی	تقویت امنیت اجتماعی	(۱) اشتراک مساعی آحاد مردم در انجام فعالیت های مساجد (حضور در آیین های مذهبی و اجتماعی، کمک مالی، انجام قسمتی از امور مسجد)		
			(۱) شرکت ساکنین محله در آیین های عبادی و مذهبی مساجد		
			(۲) احساس امنیت و آرامش به دلیل نزدیکی به مسجد		

مسجد در مرکز آن و در قلب محله را با خود به همراه دارد. در این پژوهش، مسجد، که به عنوان پایگاه ارتباط با خدا و خلق و مرکز رسیدگی به امور دنیا و آخرت مردم است؛ به عنوان یکی از مهم ترین اصول شهر ایرانی-اسلامی، مد نظر قرار می گیرد. در جهت سنجش شهر ایرانی اسلامی از منظر اصل مسجدمحوری نیز، معیار و زیرمعیارهایی در نظر گرفته شد که در قالب جدول شماره ۲ ارائه می گردد.

در تفکر اسلامی به دلیل زیربنا بودن اصل توحید، مسجد، نقش کلیدی را بازی نموده و می توان آن را مهم ترین بنای عمومی تلقی نمود که در ساخت شهرهای اسلامی از بدو پیدایش تا به امروز با تغییرات اندکی به حیات خود ادامه داده است. این بنا با کارکردهای خود، سلسله مراتبی از مساجد جامع تا نمازخانه را در شهرهای اسلامی شکل داده و زمانی که واژه ی شهر اسلامی آورده می شود تداعی





اصل درون‌گرایی (ارتباط انسان با خود)

یکی از اصولی که در شکل‌گیری محرمیت آشکارا تأثیرگذار بوده است؛ مسأله‌ی درون‌گرایی است. شاید بتوان درون‌گرایی را بارزترین مشخصه رعایت سلسله مراتب دانست و یا آن را ثمره‌ی محرمیت قلمداد کرد و به زعم بسیاری جزء مهم‌ترین شاخصه‌های همه شهرهای اسلامی است (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶، ۹-).

مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهند داد و در حیطه معنایی ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد؛ به گونه‌ای که فرد در آن به آرامش برسد. در این زمینه و برای روشن‌تر شدن موضوع می‌توان به آیه ۸۰ از سوره مبارکه نخل اشاره کرد؛ در جایی که خداوند می‌فرماید: «... وجعل لکم من بیوتکم سکنا: خداوند از خانه‌هایتان جایی را برای آرامش شما قرار داد و از پوست چارپایان، خیمه‌هایی برای شما مقرر کرد تا در موقع استقرار و کوچ، سبک و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی آن‌ها اثاث زندگی و مایه‌ی تجارت قرار داد تا در حیات دنیوی از آن استفاده کنید» (مکارم شیرازی ۱۳۶۱).

اشاره‌ی آیه فوق به این مطلب که بخشی از خانه را محل آرامش معرفی کرده است؛ تأکید بر شکل‌گیری فضا و قلمروهای محرم در کالبد یک خانه‌ی مسکونی است که این مطلب با توجه به شرایط عملکردی سایر ابنیه نیز قابل تعمیم است. در هر فضا و کالبدی که انسان سکونت‌گزیند؛ خواه ناخواه نیازمند شکل‌گیری عرصه‌های محرم، مصون، امن و آرام است.

اصل سلسله‌مراتب نیز، یکی از اصول حاکم بر هستی است که بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری محرمیت در کالبد معماری و شهرسازی سنتی ایران دارا می‌باشد. سلسله‌مراتب یکی از اصول حاکم بر مجموعه‌ها و اجزاء پدیده‌هایی است که یا به طور طبیعی در جهان هستی به عنوان یک کل وجود دارند و یا توسط انسان طراحی و ایجاد می‌شوند و

با توجه به آنکه اصولاً هستی موجودات در کائنات تابع سلسله‌مراتبی متقن و تعریف شده است؛ لذا نقش غیر قابل انکار آن در تعریف اجزاء کل یک مجموعه و هویت‌بخشی به آن‌ها قابل ذکر است. در جهان بینی اسلامی و به خصوص در عرفان اسلامی طی مدارج و منازل گوناگون در یک سلسله‌مراتب خاص شناخته می‌گردد و هر منزل و هر فضا و هر حریمی با ویژگی‌های خاص خود به عده‌ای خاص تعلق دارد که تا تحصیل شایستگی‌ها و بایستگی‌های لازم امکان وصول به آن و همچنین عبور از آن برای رسیدن به منزل بالاتر میسر نیست (نقی‌زاده ۱۳۷۹).

هشام مرتضی اصل مصونیت حریم خصوصی هر فرد را، از مهم‌ترین اصول اسلامی می‌داند و آیات زیادی را سند برای آن آورده است. به عنوان مثال در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور می‌فرماید: «ای اهل ایمان به خانه‌هایی که خانه‌ی شما نیستند داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید و اگر به شما گفته شد برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست». سنت پیامبر نیز بر اهمیت حریم خصوصی خانه تأکید می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای ورود به خانه بایستی سه مرتبه اجازه بگیرید. اگر به شما اجازه‌ی ورود به خانه را دادند پس وارد شوید؛ در غیر این صورت بازگردید» (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۳۶-۱۳۵).

نقره‌کار و همکارانشان نیز در یک بررسی محققانه در بررسی بیش از بیست نظریه‌پرداز ایرانی و غربی مدعی است بیشتر کسانی که به بررسی معماری اسلامی و معماری ایرانی (پیش و پس از اسلام) پرداخته‌اند؛ بر توجّه خاص در این معماری، به اصل درون‌گرایی تأکید کرده‌اند که البته علل و انگیزه‌های متفاوتی را برای آن برشمرده‌اند. این انگیزه‌ها را میتوان در دو دسته‌ی متفاوت بررسی کرد: انگیزه‌ها و علل‌های مادی و درون-گرایی به عنوان نوعی تفکر و جهان‌بینی.





جدول ۳. ابعاد و معیارهای شاخص های تحقق اصل درون گرایی در شهر ایرانی اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

اصل	مفهوم	معیار	گویه
درون گرایی	ارتباط انسان با خود ارتباط انسان با طبیعت	محرمیت و اشراف	(۱) دیده نشدن فضای داخلی خانه به محض باز شدن درب
			(۲) رعایت حریم و فاصله ی مطلوب بین ورودی خانه ها
			(۳) اشراف نداشتن درب های ورودی خانه ها نسبت به فضای درونی خانه همسایگان
			(۴) اشراف نداشتن پنجره های نصب شده به حیاط و داخل خانه ها
			(۵) عدم مزاحمت های بصری همسایگان به هنگام بهره مندی از آفتاب و باد
			(۶) بهره برداری نیمه خصوصی از بالکن خانه ها بدون مزاحمت و اشراف
			(۷) رعایت محرمیت با استفاده از عناصری چون گذرهای سرپوشیده و ...
		سلسله مراتب	(۱) تفکیک شدن فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی از هم در محلات شهر

اصل محله محوری (ارتباط انسان با جامعه)

اساس جامعه ی مسلمانان اعتقاد یا ایمانی می باشد که بنیانش بر توحید قرار گرفته است. این جامعه نتیجه ی یک انتخاب آگاهانه و حاصل یک پیمان است که بین بشر و خالق منعقد می گردد. اسلام سنتی است که جهت یابی آن به سوی جامعه بوده و با تعبیر مفهوم امت که همان جامعه ی مسلمان است یافت می شود. این جامعه ی واحد در سراسر قرآن از جمله آیه ۱۰۴ سوره آل-عمران مورد تأکید قرار گرفته است. مسلمانان بدون در نظر گرفتن تفاوت های قومی و نژادی و اجتماعی و ... یک امت را تشکیل می دهند. اسلام تعهد به تشکیل امت، که لازمه ی آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (یعنی خانواده، اهل محل و اصل همسایگی) می باشد را تقویت می کند.

از معماران اسلامی همچون نقره کار محله را یکی از

در جمع بندی مباحث فوق، همان گونه که در آیات متعددی، از جمله آیات ۲۷، ۲۸، ۳۱ و ۶۱ سوره مبارکه نور، آیه ۲۳ از سوره مبارکه نساء و همچنین آیه ۸۰ سوره مبارکه نحل، به مسأله ی محرمیت و حفظ حریم خصوصی اشاره گردیده است و از سوی دیگر احادیث فراوان از پیامبر اسلام و ائمه معصومین (ع) نقل شده که به ریزترین نکات حتی در مورد چگونگی در زدن، چگونگی اجازه گرفتن و نحوه ی داخل شدن در آنها اشاره شده است؛ و با توجه به دیدگاه نظریه پردازان و پژوهشگران، می توان اصل درون گرایی را یکی از اصول نشأت گرفته از جهان بینی اسلام دانست و به عنوان یکی از مهم ترین اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی در نظر گرفت. در جهت سنجش شهر ایرانی اسلامی از منظر شاخص درون گرایی، معیار و زیرمعیارهایی در نظر گرفته شد که در قالب جدول شماره ۳ ارائه گردید.





تقوا بین زنان و مردان در فضاهای عمومی (نقره کار ۱۳۸۷، ۵۳۲-۵۳۱) و...

مرتضی شهرساز اسلامی، محله محوری را در قالب اصل همسایگی مطرح نموده و چنین بیان می کند که مسلمانان ملزم به تلاش فراوان در جهت تقویت روابط همسایگی و حفظ حقوق همسایگان هستند؛ همانگونه که در قرآن و سنت آمده است. در سطح خانواده، پیوندهای مستحکم بین اعضای خانواده به دلیل کارکرد حیاتی آن در جامعه اسلامی، بسیار مهم می باشد. هر گونه اقدامی در جهت تضعیف این روابط ممنوع و حرام است. خانواده ی گسترده، یکی از اشکالی است در جهت حفظ و صیانت پیوندهای خانوادگی و نیز یکپارچگی اجتماع آن را ترغیب می نماید. در سطح فرد، اسلام خواستار ایجاد رابطه ای دوستانه بین فرد مسلمان و دوستان مسلمان وی و نیز تواضع در شیوه ی زندگی و رفتار و میانه روی در هزینه است» (مرتضی ۱۳۸۷، ۷۵).

ارکان هویت اسلامی دانسته و به ذکر برخی ویژگی های محله ی مطلوب در احادیث می پردازد: (۱) توصیه به زندگی اجتماعی و در شهرهای بزرگ به دلیل برخورداری بیشتر از دین و دانش. (۲) توصیه ی اکید به خوش رفتاری و همنشینی با همسایگان و برادران دینی و خلقی با توجه به اینکه تا حدود چهل خانه از هر محور همسایه تلقی شده است؛ همبستگی عملی در واحد همسایگی. (۳) توصیه به تعظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین. (۴) توصیه به برآوردن حاجات و نیازمندی های اجتماعی، ایجاد مجموعه فضاهای مورد نیاز عمومی، توصیه به وقف. (۵) توصیه به تعلیم و تعلم، دین و دانش و صنعت و هنر و مراجعه به متخصص عالم و مجتهد. (۶) ارزش گذاری فضاهای یک محله «بهترین محل برای نشستن، مساجد و بدترین آن، بازارها و راه- هاست» یا محبوب ترین فضاها در نزد خداوند مساجد و بدترین جاها بازارهاست. (۷) پرهیز از مزاحمت سواره بر پیاده و قوی بر ضعیف. (۸) پرهیز از هر نوع مزاحمت متقابل فضاهای عمومی و خصوصی، حتی مزاحمت منار مساجد برای خانه ها. (۹) توصیه به رعایت

جدول ۴. ابعاد و معیارهای شاخص های تحقق اصل محله محوری در شهر ایرانی اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

(لازم به ذکر است در این پژوهش، برخی معیارهای به کار گرفته شده در اصل محله محوری، مختص شهر ایرانی و اسامی نیستند و ممکن است به عنوان معیارهای مشترک با سایر شهرها مورد توجه قرار گیرند.)

اصل	مفهوم	بعد	معیار	گویه
محله محوری	ارتباط انسان با جامعه	کالبدی	خوانایی	(۱) وجود نشانه های شاخص
				(۲) پیدا کردن نشانه
				(۳) شناخته شدن مرز محله توسط ساکنین
ارتباط انسان با طبیعت			دسترسی و شبکه راهها	(۱) گسترش مسیرهای پیاده
				(۲) قرارگیری اغلب کاربری ها در فاصله ی پیاده قابل دسترس و نزدیک از خانه و محل کار
				(۳) وجود کاربری های مورد نیاز در مقیاس محله برای ساکنین
				(۴) قرارگیری فضاهای شهری از قبیل مساجد، حسینیه ها در کنار فضاهای مسکونی





۵) تباین فضایی با پهن و باریک شدن فضا، سرباز و بسته بودن آن و تغییر مقیاس			
۶) دارا بودن مرکز محله و قرارگیری آن در مسیر تقاطع دو یا چند گذر اصلی			
۷) تناسب عرض معابر با سلسله مراتب شبکه ارتباطی و ایجاد پیوند			
۱) وجود مراکز خرید و گذران اوقات فراغت	نشاط و سرزندگی	اجتماعی و فرهنگی	
۲) وجود فضا برای برگزاری مراسمها			
۳) وجود مکان های فرهنگی و ورزشی			
۱) امنیت در ساعات پایانی شب	امنیت و ایمنی		
۲) اعتماد به اهالی محل			
۳) نبود هرج و مرج در محل			
۱) عدم ترک محله	حس تعلق مکانی		
۲) همکاری در جهت رفع مشکلات محله			
۳) مراودات اجتماعی با همسایگان و اهل محل			
۴) وجود فضاهایی در جهت ارتباط اجتماعی و تماس های مردم با یکدیگر			
۱) دسترسی آسان به پارک و فضای سبز در محل	فضای سبز محله ای	زیست محیطی	
۲) تجهیزات مناسب پارک های محل			
۳) کافی بودن تعداد پارک و فضای سبز در محل			
۱) میزان سروصدا و آلودگی هوا (عبور و مرور ماشین های سنگین و سواری و...)	آلودگی های صوتی و هوا		
۲) احساس آرامش در محله			

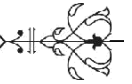
هویت یابی آن مؤثر است؛ مطرح می گردد. در جهت سنجش شهر ایرانی اسلامی از منظر اصل محله-محوری، معیار و زیرمعیارهایی در نظر گرفته شد که در قالب جدول شماره ۴ ارائه گردید.

اصل طبیعت گرایی (ارتباط انسان با جهان هستی)

تفکر درباره ی طبیعت، اجزاء و عناصر آن، قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی و همچنین غور در هماهنگی و تعادل

بنابراین، شهرهای ایرانی-اسلامی با تأکید بر همبستگی و انسجام اجتماعی در قالب روابط همسایگی مطرح گردیده و بایستی این انسجام اجتماعی در قالب مرز و محدوده ی معین با شاخص های کالبدی خود را در شهر نمایان سازد. از این رو از شکل گیری شهر در ایران اسلامی، محله به عنوان یکی از عناصر اصلی شهر مطرح بوده و محله محوری به عنوان اصل تأثیرگذار در شهر ایرانی-اسلامی که در





مرتضی با استفاده از منابع اصلی شریعت (قرآن و سنت)، طبیعت گرایی را به عنوان یکی از اصول مهم شهر اسلامی دانسته و مسئولیت انسان را در قبال محیط طبیعی در قالب دو اصل بیان می نماید: اصل بهره برداری از منابع طبیعی و حفاظت از تعادل طبیعی (مرتضی ۱۳۸۷، ۷۹، ۱۷۱).

نقی زاده به اهمیت طبیعت در تعالیم اسلامی اشاره نموده و چنین مطرح می کند: «طبیعت در تعالیم اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مطرح شده است و متفکرین اسلامی نیز بر این امر تأکید نموده اند. بسیاری از آیات قرآن کریم بیانگر توجه به طبیعت به عنوان آیات (نشانه علم و قدرت) الهی و ابزار شناخت هستند. علاوه بر قرآن کریم، روایات رسیده از معصومین (ع) نیز بر این امر تأکید دارند که یکی از معروف ترین آن ها «توحید مفضل» از امام جعفر صادق (ع) می باشد. همه ی اینها لزوم ارتباطی نزدیک و مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می نماید تا امکان بهره گیری از این آیات الهی و تفکر در آن ها و همچنین بهره گیری از اصول و قوانین حاکم بر آن ها در جهت ایجاد محیط مناسب زندگی انسان فراهم آید». همچنین نور، هوا، آب، گیاهان و مناظر طبیعی را از جمله عناصر طبیعی دانسته که می توانند بر تعریف فضای شهر اثر گذاشته و در نتیجه در ارتقای زیبایی محیط شهری ایفای نقش نمایند (نقی زاده ۱۳۸۳، ۱۷).

موجود در کاینات به عنوان تجلی علم و قدرت الهی یکی از مقولات بسیار مهمی است که متون اسلامی، به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، مؤکداً انسان را به آن ترغیب و توصیه می نماید و قرآن تمام عالم طبیعت را یکسره آیه و نشانه برای شناخت ماورای طبیعت می خواند. از این رو است که می توان گفت تعالیم اسلامی مسلمین را به این نکته بنیادین یادآور می گردد که تماس با طبیعت و تفکر و مذاقه در آن احساس تذکر را در انسان به وجود آورده و مطمئناً او را به سوی شناختی بهتر و آگاهانه تر نسبت به اصول اساسی اسلام، همچون توحید رهنمون خواهد کرد (امین زاده ۱۳۷۹، ۵۵-۵۴).

شایسته است مسلمانان نسبت به کاشتن و حفظ درخت کوتاهی نکنند؛ زیرا درختان در سالم سازی و پاکیزگی هوا تأثیر ویژه دارند. اهتمام اسلام به درختکاری و افشاندن دانه یا کاشتن شاخه ی ثمربخش، کاملاً در متون دینی مشاهده می شود؛ به گونه ای که گاهی کاشتن درخت، در ردیف بهترین و مقدس ترین کارهای خیر قرار می گیرد؛ چنان که از رسول اکرم (ص) در ضمن حدیثی آمده است که درختکاری را در کنار تعلیم دانش، ساختن مسجد، به ارث گذاشتن قرآن یا کتاب علمی سودمند دیگر و... قرار داده است که اهتمام آن حضرت به درختکاری را می رساند. در اسلام، هم نگهداری درخت و آبیاری آن دستور رسیده و هم از قطع آن نهی شده است» (جوادی آملی ۱۳۹۱، ۷۰۹).

جدول ۶. ابعاد و معیارهای شاخص های تحقق اصل طبیعت گرایی در شهر ایرانی اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

اصل	مفهوم	ابعاد	معیار	گویه	
طبیعت گرایی	ارتباط انسان با خدا	بهره مندی از طبیعت	آب	وجود حوض آب یا استخر در خانه وجود آبنا یا فواره در فضای عمومی شهر	
			نور	بهره مندی کافی اتاق های خانه از نور و روشنایی	
ارتباط انسان با جهان هستی			گیاهان	وجود باغچه برای پرورش گیاه در حیات منازل احاطه شدن شهرها با باغات و مزارع تا حد امکان وجود پارک و فضاهای باز طبیعی در نزدیکی محله	
				هوا	بهره مندی از تهویه ی طبیعی در منزل مسکونی





دید به چشم‌اندازهای طبیعی (کوه، درختان و...)	مناظر طبیعی		
فاضلاب شهری یکپارچه، محافظت بودن منابع آب نسبت به آلودگی‌های محیطی	آب	حفاظت از	
عدم آلودگی هوا و صوت (عبور و مرور ماشین‌های سنگین و سواری و...)	هوا و صوت	تعادل طبیعت	
عدم مزاحمت ساختمان‌ها و یا معابر شهری نسبت به مناظر طبیعی	مناظر طبیعی		

ارزش‌ها که یا مستقیماً برآمده از تعالیم اسلامی هستند یا از فرهنگ ایرانی برآمده‌اند و به دلیل عدم تقابل و ضدیتشان با تعالیم اسلامی به مرور به عنوان ارزشی در فرهنگ اسلامی و ایرانی شناخته شده‌اند. این پژوهش، با هدف معرفی برخی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول شهرسازی ایرانی اسلامی، در ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های افراد مختلفی از جمله اسلام‌شناسان، جغرافی‌دانان، شهرسازان و معماران در سطح جهان و ایران مورد مطالعه قرار گرفت؛ و چهار اصل مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری و طبیعت‌گرایی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی در مطالعات اولیه در میان صاحب نظران دارای اولویت دیده شد. در نهایت، جهت تدقیق مفهومی و تشریح راهکارهای تحقق بخش هر یک از اصول، از تکنیک دلفی جهت پالایش مؤلفه‌های هر یک از اصول استفاده و در قالب جدول ارائه نمودیم تا با استفاده از آن به طراحی و سنجش شهرها با هویت ایرانی اسلامی پرداخته شود. این مطالعه در چارچوب کاری خود شهر ایرانی-اسلامی را در قالب شاخص‌های مشترک در شهرهای اسلامی جهت پالایش مؤلفه‌های هر یک از شاخص‌ها مورد مطالعه قرار داده است. شاخص‌های اساسی در همه‌ی شهرهایی که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند؛ می‌تواند مبنا قرار گیرد. از این رو، در چارچوب این مطالعه به تفکیک شهر ایرانی و اسلامی و تعاریف و مفاهیم آن پرداخته نشده است.

با توجه به مباحث مطرح شده در فوق، تفکر اسلامی، طبیعت و عناصر طبیعی را به عنوان آیات الهی مطرح می‌نماید. از تبعات این اصل آن است که هر عنصر طبیعی یادآور و نشانه و نماد موضوعات و مفاهیم و ارزش‌های معنوی و روحانی‌ای است که در رأس آن‌ها توجه به قدرت و علم الهی مطرح است. بنابراین از آن‌جا که تماس با طبیعت و تفکر و مذاقه در آن احساس تذکر را در انسان به وجود می‌آورد و مطمئناً او را به سوی شناختی بهتر و آگاهانه‌تر نسبت به اصول اساسی اسلام همچون توحید رهنمون می‌کند؛ می‌توان اصل طبیعت‌گرایی را به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی معرفی کرد. در جهت سنجش شهر ایرانی اسلامی از منظر اصل طبیعت‌گرایی، معیار و زیرمعیارهایی در نظر گرفته شد که در قالب جدول شماره ۶ ارائه گردیده است.

نتیجه‌گیری

در راستای نائل شدن به آرمانشهر ایرانی اسلامی بایستی به دو عنصر اصلی و جزء لاینفک این مجموعه کلان توجه بسیار شود تا به عینیت برسد: ۱. برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای؛ ۲. معماران. در راستای چنین هدف بزرگی بایستی بر شاخصه‌های هویتی شهرها اهمیت ویژه داده شود. رعایت الگوهای شهرسازی و معماری که منجر به حفظ حریم شهری عناصر فرهنگی و شاخصگی همراه با دسترسی مناسب عمومی آن‌ها شود در اولویت قرار دارد. به منظور متجلی ساختن ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر مسلمانان، شناسایی ارزش‌هایی که می‌توانند و باید با تظاهر در مجتمعی اسلامی هویت اسلامی آن را نمایش دهند و تضمین کنند؛ ضرورت تام دارد. این



پی‌نوشت

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بَيْتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۷) فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجعوا فارجعوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَشَ اللَّهُ بِمَا تَعْلَمُونَ عَلِيمٌ (۲۸).

فهرست منابع

۱. اشرف، احمد. ۱۳۵۳. ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران، دوره اسلامی. (۴): ۷-۴۹.
۲. افشارنادر، کامران. ۱۳۷۴. نقد. (۱۷): ۴۶-۵۶.
۳. اقبال‌لاهوری، محمد. ۱۳۴۹. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: نشر دفتر مطالعات فرهنگ دینی.
۴. امین زاده، بهناز. ۱۳۷۹. حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین. (۳۱): ۴۰-۵۳.
۵. امین زاده، بهناز، و محمد نقی زاده. ۱۳۸۱. آرمانشهر اسلام: شهر عدالت. (۳۵): ۲۱-۳۱.
۶. اهلهز، اکارت. ۱۳۷۳. شهر شرق اسلامی - مدل و واقعیت. ترجمه و ویرایش محمدحسین ضیاء توانا و مصطفی مؤمنی. (۱): ۲۷-۶۵.
۷. بemat، نجم‌الدین. ۱۳۶۹. ترجمه‌ی محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. بنه ولو، لئوناردو. ۱۳۶۹. - ترجمه‌ی پروانه موحد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۶۵. اصول بافت شهرهای سنتی ایران. (۲۱): ۳۰-۳۶.
۱۰. پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۴. معماری ایرانی. (۱۹): ۴۵-۴۰.
۱۱. توسلی، محمود. ۱۳۶۶. حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها، در معماری ایران دوره‌ی اسلامی. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۲. جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۸. ثبات و دوام در سنت پیامبر. گردآوری و تنظیم محمدرضا جوادی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. جعیط، هشام. ۱۳۷۲. کوفه: پیدایش شهر اسلامی. مترجم ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۴. جوادی‌آملی، عبدالله. ۱۳۸۰. مجموعه آثار آیت‌الله جوادی آملی. قم: لوح فشرده‌ی اسراء.
۱۵. جوادی‌آملی، عبدالله. ۱۳۹۱. مفاتیح الحیاه. تهران: انتشارات اسراء.
۱۶. حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. شهرهای عربی اسلامی - اصول ساختمانی و شهرسازی. ترجمه‌ی محمدحسین ملک احمدی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. راپپورت، آموس. ۱۳۶۶. منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی. ترجمه‌ی راضیه رضازاده. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۸. رحیمی، حسین. ۱۳۸۴. در جستجوی شهر اسلامی پایدار. (۲): ۹۸-۹۰.
۱۹. ریمون، آندره. ۱۳۷۰. شهرهای بزرگ عربی اسلامی. ترجمه‌ی حسین سلطان‌زاده. تهران: آگاه.
۲۰. سعیدی رضوانی، عباس. ۱۳۶۷. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی. (۱): ۴۴-۵.
۲۱. سیفیان، محمدکاظم. ۱۳۷۸. قالب و محتوا در معماری اسلامی. (۱): ۵۸-۶۱.
۲۲. شکوئی، حسین. ۱۳۶۹. جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۳. شمعی، علی. ۱۳۸۹. نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد. (۱): ۱-۱۶.
۲۴. فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۶۴. باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. قاسمی، کیمیا. ۱۳۹۱. ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای شاخصه‌های شهرسازی ایرانی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۶. قلعه باباخانی، علی، و ملیحه سامه. ۱۳۹۰. مطالعه تطبیقی مفهوم شهر اسلامی در اصفهان در دوره سلجوقی و صفوی. (۳۵): ۳۴-۲۶.
۲۷. کریمان، حسین. ۱۳۵۴. ری باستان، جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۲۸. کریمان، حسین. ۱۳۵۶. قصران. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی تهران.
۲۹. کریمان، حسین. ۱۳۶۶. ری؛ شهرهای ایرانی. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.

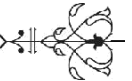


۳۰. کونتو، پاتولو. ۱۳۸۴. *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*. ترجمه‌ی سعید تیزقلم زنوزی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی - سازمان عمران و بهسازی شهری.
۳۱. گرابار، الگ. ۱۳۹۰. *شهر در جهان اسلام*. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: بصیرت.
۳۲. مؤمنی، مصطفی. ۱۳۶۵. *رديابى فرهنگ وحى در ساختارشناسى فرهنگى، اقتصادى و کالبدى دوره آغازین شهر دولت آباد ملایر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (۲): ۱۱-۵۹.*
۳۳. مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۳۴. مرصوص، نفیسه. ۱۳۸۲. *قم شهر اسلامی. فصلنامه پیک نور (۱): ۷۱-۷۵*. ۳۵. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۰. *انسان کامل*. تهران: نشر صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. *مجموعه‌ی آثار، مجلات گوناگون*. تهران: نشر صدرا.
۳۷. مکارم‌شیرازی، ناصر. ۱۳۶۱. *تفسیر نمونه*، جلد سوم و چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. منصورى، سید امیر. ۱۳۸۶. *دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی، قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. مجله باغ نظر (۷): ۴۹-۶۰.*
۳۹. نصر، سیدحسین. ۱۳۷۴. *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه‌ی محمد سعید حنایی کاشانی. هنر (۲۸): ۴۵-۵۲. ۴۰. نصر، سیدحسین. ۱۳۷۵. *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر. ۴۱. نصر، سیدحسین. ۱۳۷۷. *نظر متفکران اسلامی درباره‌ی طبیعت*. تهران: خوارزمی.
۴۲. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی - دفتر معماری و طراحی شهری - شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۴۳. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۷. *صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. فصلنامه هنرهای زیبا (۴ و ۵): ۴۷-۶۱.*
۴۴. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۹. *الهام از طبیعت در ایجاد محیط زندگی اسلامی. نامه فرهنگستان علوم (۱۶): ۷۹-۱۰۷*. ۴۵. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۳. *نقش طبیعت در ارتقای زیبایی سیما و منظر شهری. پیام سبز (۳۰): ۱۶-۲۳.*
۴۶. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۶. *ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)*. اصفهان: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان.
۴۷. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. *شهر و معماری اسلامی، تجلیات و عینیات*. تهران: مانی.

References

1. Afsharnaderi, Kamran. 1996. Criticize. Abadi (17): 46-56.
2. Alsayyad, Nezar. 1991. Cites and Caliphs, on the Genesis of Arab Muslim Urbanism. Greenwood press.
3. Aminzadeh, Behnaz. 2001. The Philosophy of the Contact with Nature in Muslims' Cities. Soffeh (31): 40-53.
4. Aminzadeh, Behnaz, and Mohammad Taghizade. 2003. Islamic Utopia: City of Justice. Soffeh (35): 21-31.
5. Ashraf, Ahmad. 1974. Features of the Urbanization History in Iran, Islamic period. Nameh-ye Olum-e Ejtemai (4): 7-49.
6. Bene, Leonardo. 1990. History of the City - Islamic and European Cities in the Middle Ages. Translation by Parvaneh Movahhed. Tehran: University Publishing Center.
7. Bmat, Najm al-Din. 1990. Islamic city. Translation by Mohammad Hossein Halimi and Manizheh Aslam bolchy. Tehran: publication of Ministry of Culture and Islamic Guidance.
8. Cuneo, Paulo. 2005. Urbanism History of the Islamic World. Translation by Seyyed Teezqalam Zonouzi. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development - Organization of Civil and Urban Development.
9. Dettmann, Klaus. 1969. Islamische und westliche Elemente in heutigen Damaskus in GR. (21): 64 - 68.
10. Djait, Hisham. 1986. AL-Kufa, naissance de la vill islamique. Translated by Abolhasan Sarvghad Moghaddam. Mashhad: Astan Quds Razavi- Foundation of Islamic Researches.
11. Ehlers, Eckart. 1994. City of Islamic East-Model and Reality. Translated and edited by Mohammad Hossein Zia Tavana and Mostafa Momeni. Journal of Geographical Research (1): 27-65.
12. Falamaki, Mohammad Mahdi. 1985. Renovation of Monuments and Historical Cities. Tehran: University of Tehran Press.





13. Ghasemi, Kimia. 2013. Evaluation of Hashtgerd new town based on the Iranian Islamic Urbanism Indicators, master's thesis, Tehran: Tarbiat Modarres University.
14. Ghaleh Babakhani, Ali, and Maliheh Sammeh. 2009. Comparative study of Islamic City of Isfahan in Safavi and Saljughhi Era. *Abadi* (35): 26-34.
15. Grabar, Oleg. 2011. *The City in the Muslim World*. Translated by Mehrdad Vahdati Daneshmand. Tehran: Basirat.
16. Hakim, Besim Selim. 1986. *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. Translated by Mohammad Hossein Malek Ahmadi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
17. Iqbal Lahore, Mohammad. 1970. *The Revival of Religious Beliefs in Islam*. Translated by Ahmad Aram. Studies of Religious Culture Publication: Tehran.
28. Jafari, Mohammad Taghi. 2000. *Stability and Durability in the Sunnah of the Prophet*. Collected and Edited by Mohammdreza Javadi. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
19. Javadi Amoli, Abdollah. 2001. *The Collection of Ayatollah Javadi Amoli's Works*. Qom: Asra.
20. Javadi Amoli, Abdollah. 2012. *Mafatih al-hayat*. Tehran: Asra.
21. Kariman, Hossein. 1975. *Ancient Ray, Volume II*. Tehran: Iran National University.
22. Kariman, Hossein. 1977. *Qasran*. Tehran: Publications of National Monuments Community.
23. Kariman, Hossein. 1988. *Rey: Iranian Cities*. Tehran: Iranian Students Book Agency
24. Lapidus, I. 1967. *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: Harvard University Press.
25. Lapidus, I. 1969. *Muslim Cities and Islamic Societies in the Middle East*. Middle Eastern. Les corps de métiers at la cite Islamic.
26. Marçais, William. 1921. *Les corps de métiers ET la cite islamique*. *Revue international de sociologie*.
27. Marçais, George. 1957. *Lurbanism musulman*. reprinted in: *Melanges d'histoire ET d'archéologie Del occident musulman*. Tome I. article etconfrences de George marçais. Vol. I. alger.31-211.
28. Motahhari, Mortaza. 1991. *Perfect Man*. Tehran: Sadra.
29. Motahhari, Mortaza. 1999. *Collection of Works*. Various Journals. Tehran: Sadra.
30. Marsous, Nafise. 2003. *Qom, Islamic city*. *Peik-e-Noor* (1): 71-75.
31. Mansouri, Seyed Amir. 2007. *Two Periods of Spatial Organization of Iranian City: Before and After Islam based on Testimonies of Evaluations of the City of Kerman*. *Bagh-e-Nazar* (7): 49-60.
32. Makarem Shirazi, Naser. 1983. *The Ideal Commentary, Vol. 3 and 4*. Tehran: Dar al-Kotob-e Islamiah.
33. Mortada, Hisham. 2003. *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. Translated by Abolfazl Meshkini and Kiumars Habibi. Tehran: Publication of Architecture and Urban Planning Studies and Research Center.
34. Momeni, Mostafa. 1986. *Tracking Revelation in Cultural, economical and physical Structure Cognitive in Opening Period of Dolatabad City of Malayer*. *Journal of Geographical Research* (2): 11-59.
35. Nasr, Seyed Hossein. 1995. *Art and Islamic Spirituality*. Translated by Mohammed Saeed Hanayee Kashani. *Art* (28): 45-52.
36. Nasr, Seyed Hossein. 1996. *Islamic art and spirituality*. Translated by Rahim Ghasemian. Tehran: Art Religious Studies Office.
37. Nasr, Seyed Hossein. 1998. *Attitudes of Islamic Thinkers about Nature*. Tehran: Kharazmi.
38. Naghizadeh, Mohammad. 1998. *Features of Islamic city in Islamic texts*. *Journal of HONAR-YE-ZIBA*. (4, 5): 47-61.
39. Naghizadeh, Mohammad. 2001. *Inspiration from Nature in Creating Islamic Life Environment*. *Name-ye Farhangestan-e Olum* (16): 79-107.
40. Naghizadeh, Mohammad. 2005. *The Role of Nature in Upgrading Beauty of Urban Scape and Urban Image*. *Payam-e Sabz* (30): 16-23.
41. Naghizadeh, Mohammad. 2007. *Perception of Beauty and City Identity (in the Light of Islamic Thought)*. Isfahan: Department of Urbanism and Architecture.
42. Naghizadeh, Mohammad. 2008. *Islamic city and Architecture, From Manifestations up to Objectives*. Tehran: Mani.
43. Noghrekar, Abdolhamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urban Planning*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Architecture and Urban Design Office, Payam-e Sima Planning and Printing Corporation.





44. Pakzad, Jahanshah. 1986. Texture of Iran Traditional Cities. *Taze-ha-ye Traffic* (21): 30-36.
45. Pirnia, Mohammad Karim. 1927. Iranian Architecture. *Abadi* (19): 40-45.
46. Rahimi, Hossein. 2005. Searching sustainable Islamic city. *Peik-e Noor* (5): 90-98.
47. Rappaport, Amos. 1987. Cultural Origin of Biological Complexed. Translation by Razieh Rezazadeh. Tehran: Iran University of Science and Technology.
48. Raymond, Andreh. 2005. Great Islamic Arabic Cities. Translated by Hossein Soltanzade. Tehran: Agah.
49. Saeedi Rezavani, Abbas. 1988. Islamic Vision and Geographic Phenomena. *Journal of Geographical Research* (11): 5-44.
50. Seifian, Mohammad Kazem. 1999. The form and content of Islamic architecture. *Honar-ha-ye-Ziba* (1): 58-61.
51. Shakuie, Hossein. 1990. Social Geography of Cities. Tehran: Iranian Students Book Agency.
52. Shamaei, Ali. 2010. The Role of Traditional Urban Patterns in Modern Urbanism of City of Yazd. *Journal of Studies on Iranian-Islamic City* (1): 1-16.
53. Tavassoli, Mahmoud. 1987. Hussainiya, Takaya and Mosalla in Architecture of Islamic Period of Iran. Edited by Mohammad Yousef Kiani. Tehran: Iranian Students Book Agency.
54. Wirth, Eugen. 2000. Die Orientalische Stadt im Islamischen Vorderasien und Nordafrika Band I and II. Verlag Philipp von Zabern. Mainz. A.



Conceptual Refining and Solutions (Strategies) Description and Substantiation Indicators of Four Principles of Mosque based, Neighborhood based, Introversion and Naturalism in Iranian-Islamic City



Abolfazl Meshkini*

Department of Geography and urban planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzenejad**

Department of Architecture, Faculty of Architecture, University of Science and Technology
(Corresponding author)

Kimia Ghasemi***

Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 27/10/2014

Accepted: 14/03/2015

Abstract

Human beings have always been in an interaction with Nature in accordance with their own ideology and the interface between them has become a rich source of inspiration for most studies. The impact of human beings on Nature is anchored in the ideology or philosophy of life; The ideology has exerted so powerful influence that some people believe a typical Islamic city is grounded on and is physical manifestation of the Islamic philosophies and the merely way to be familiar with the ecology of Islamic cities is to comprehend its principles and laws. In that connection, the way the cities in human civilization formed and constructed have always embodied the ideology reigned over those societies; as a result, it is not surprising that in the geographical heterogeneous environments, cities with assorted roles, different levels of significance, and with uncoordinated and disparate development have been formed.

Over the past decades, the attention towards the requisite revival of Islamic values in Muslim cities, or at least the awareness of the fact that Muslim complexes which had their own specific identity in the past have lost their identity nowadays has been augmented. In Iran with the advent of Islamic revolution, whose Islamic features have made its cultural characteristics outstanding, and with the awakening of other Islamic nations, the hope for constructing complexes based on the Islamic principles, values, and philosophies has boosted.

The Iranian Islamic urban Planning and Design should be grounded in the theoretical basics and theories pertaining to the principles and values which are required to be employed in the design, planning, and the development of a life environment suitable for Muslims and to reign over Humans relationship with the environment (natural and artificial environments) and the interaction of Humans beings with each other. These principles and values will be derived from the Islamic instructions, and likewise they encompass prominent aspects of national culture, those of which do not go against the Islamic instructions. It is worth briefly noting that the primary sources of principles governing all Muslims' deeds, including their urbanization, are the Holy Quran and traditions of the prophet Muhammad.

The meaning, concept, and essence of the elements and characteristics that form Iranian-Islamic cities, the settlement of these elements, and their relationship with people's habitations are grounded on numerous systems, such as consecration and consecrated urban elements including mosques,



bathhouses, etc., trade corporations such as Trade and Business managers, urban administration systems and organizations, religious education systems, shariat' and Islamic rights, and symbolic systems of some cities.

Urban elements, architectural units, and Iranian-Islamic cities can be framed within several categories: Residential spaces, including single family houses, multi-family houses, joined single-family houses with open spaces and shared services, downtown caravanserais, and suburban caravanserais. Religious elements, including mosques, monasteries, religious schools, holy places of worship, sacred tombs and shrines, Hosseiniyeh', 'Tekyeh' and covered and open consecrated spaces for lamentation and mourning ceremonies. Individual and cooperative business units, including the shopping plazas 'Timcheh, inns, 'Qeisariyeh', shops, etc., and the spaces attached to them such as landing-places, warehouses, and stables. Production units, including trade-related workshops, factories and shops for the distribution of raw materials, and suburban workshops. Public Service Units, including libraries, cisterns, public bathhouses, cemeteries, coffee shops, tea houses, and restaurants. Public services and communication networks, for directions (avenues and streets, Bazaars, squares, alleys, paths, dead ends, for water supply and services (aqueducts, cisterns and curbs), and for sewage disposal and water supply through joined underground channels and culverts.

One of the Geographical spaces that always had reflected the ideology of the ruling systems is the phenomenon of the city. According this, the Iranian Islamic city should be a reflection of thoughts on Islam in all aspects. in order to manifest the Islamic values in the city construction, the identification of the values absolutely required that can and should demonstrate and assure the Iranian Islamic identity in an Islamic city are. The purpose of this study is to identify the values, principles and indicators of Iranian Islamic urbanism and Conceptual refining and implementation of the strategies that described them; So for this purpose, the study was conducted on the documents also Delphi technique was used in two stages in order to refine the components, criteria and sub-criteria. In early studies and from the perspective of experts, four principles of mosque-based, introversion, neighborhood-based and naturalism are the priorities that was considering as the most important and the basic principles of Iranian Islamic urbanism: so by refining their theoretical roots, the mosque-based index at 2 dimension, 7 criteria and 15 items, the naturalism index at 2 dimension, 8 criteria and 12 items, the introversion index at 2 dimension and 8 items and the neighborhood based index in 3 dimension, 7 criteria and 20 items were presented. This research in its realm was studied the Iranian Islamic city in the framework of common indicators in Islamic cities. Basic indicators could be based in all cities with the majority of Muslims. Hence, the context of this study does not mention the separation of Iranian and Islamic city and their definitions and concepts.

Keywords: Mosque-based, Introversion, Neighborhood-based, Naturalism, Iranian-Islamic urbanism.

